

درباره تلاش‌ها برای ابومسلم و پیام که هیچ کدام به نتیجه نرسید

احیای قلبی در جاده ترکستان!



مژده رنگیان

شاید هیچ کدام از ما معنی حرف ۱۰ سال پیش مرحوم کاظم غیابیان را که گفت «من مرده و شما زنده؛ راهی که فوتبال استان می‌رود به ترکستان است!» به اندازه امروز درک و لمس نکرده باشیم. گویا هر تیم از یک روش یکسان برای نابودی خودش استفاده می‌کند که بی‌شبهت به «اتانازی» یا مرگ خودخواسته نیست و بعد هم برخی اقدامات اشتباه و تکراری برای احیای قلبی و مغزی و بازگرداندن آن به دنیای فوتبال انجام می‌شود که همیشه بی‌نتیجه می‌ماند. حقیقت این است که همه تیم‌های فوتبال خطه خراسان از یک جایی به بعد، غریزی براساس یک مکتب نانوشته اما غلط، مسیر ترکستان را در پیش می‌گیرند. پروژه‌های احیای ابومسلم و پیام و بعد هم سیاه‌جامگان و پدیده شهرخودرو همگی سرنوشتی تلخ داشته‌اند. در این سال‌ها مدیران و مسئولان از روش‌های یکسانی برای احیا استفاده کرده‌اند؛ برخی تیمشان را از مشهد دور کرده‌اند بلکه زنده بمانند، برخی در مرحله‌ای پیشوند و پسوند تیم را عوض می‌کنند. حتی تیم را دو شقه می‌کنند با دو سرمربی هم‌زمان و گاهی بر سر مالکیت آن بحث و جدل قضایی می‌کنند. از یک جایی به بعد هم پرونده تیم اصلی با بدهی‌های میلیاردی‌اش را برای همیشه می‌بندند و یک باشگاه جدید تأسیس می‌کنند. سپس برای حفظ نامش یک تیم جدید از لیگ‌های پایین‌تر با اسمی مشابه راهی میدان می‌کنند. اما هیچ‌کدام جسم بی‌جان فوتبال خراسان را از کما خارج نمی‌کنند.

قطع پیام

دهه ۸۰ برای فوتبال خراسان رؤیایی شروع شد، اما تلخ تمام شد. تیم پیام یک سال زودتر از ابومسلم در سال‌های پایانی دهه ۸۰ به لیگ دسته یک سقوط کرد و حضورش در لیگ برتر فقط یک سال طول کشید. برای احیای پیام، پسوند‌های مختلف مانند پیام مخابرات مشهد، پیام گچ خراسان، پیام مقاومت خراسان، پیام ارتباطات خراسان، و پیام امام رضا^(ع) گذاشتند؛ حتی مدیران فکر کردند اگر چند کیلومتری تیم را از مشهد دورتر ببرند و در نیشابور بازی کنند، این تیم نجات پیدا می‌کند، اما هیچ کدام جواب نداد. چند سال بعد گروهی با شعار احیای پیام بزرگ، تیم «پیام وحدت» را تشکیل دادند، اما آن پیام هم ره به جایی نبرد تا اینکه سال گذشته چند نفر از نسل آخر پیامی‌ها، باز با شعار احیای پیام به عرصه وجود پا گذاشتند و پیام توس خراسان یک سال هم در لیگ دسته دوم فوتبال کشور حضور داشت، اما در نهایت آن هم سرنوشت مشابهی با دیگر پیام‌ها پیدا کرد و قطع شد.

مشکی قرمز طلسم شده

تیم فوتبال ابومسلم که هویت فوتبال مشهد

است، دوازده سال پیش بابتی تدبیری مسئولان بعد از ۹ سال حیات شیرین دست آخر از لیگ بزرگان سقوط کرد و تا نابودی مطلق، چند صبحی بیشتر دوام نیاورد. ابومسلم قدیم هم بعد از تغییر نام‌های مختلف، در نهایت با قدمت بیش از چهل سال با همه پیشینه و بدهی‌هایش به دست تاریخ سپرده شد. بعد از مرگ ابومسلم اصلی، ابومسلم‌های دیگری متولد شدند. نسل ابومسلم، ابومسلم ثامن و سیاه‌جامگان، مشکی پوشان شرق و ننگین ابومسلم تیم‌هایی بودند که بعد از انحلال ابومسلم با نام این تیم ظاهر شدند؛ اما هیچ کدام توفیقی نیافتند. همه آن‌ها به راه ابومسلم پدر رفتند و حال‌نشانی از آن‌ها نیست. بعد از ۱۰ سال ماجرای زنده شدن ابومسلم کلید خورد؛ اما پس از مدت کوتاهی همه امیدها رنگ باخت. قرار بود ابومسلم پسوند شهر بهشت بگیرد، اما این تیم فوتبال شکل نگرفت. موضوع جالب این بود که حتی احیای اسم ابومسلم کیلومترها دورتر از دیارش هم ناممکن بود و تلاش‌های عنایتی بعد از خریدن تیم سرخ پوشان پاکدشت برای گذاشتن نام ابومسلم تهران بر روی آن بی‌نتیجه ماند تا طلسم این تیم پابرجا بماند.

میراث دار پدر

بعد از پایان ابومسلم، مشکی‌های دوم مشهد در ۱۰ سال گذشته با نام سیاه‌جامگان تلاش کردند نام و خاطره و رنگ تیم قدیمی شهر را زنده نگه دارند و پله پله بالا آمدند. بهار ۱۳۹۴ شش سال بعد از سقوط همیشگی تیم ابومسلم از لیگ برتر، تیمی با همان رنگ و نشان به سطح اول فوتبال ایران برگشت؛ اما در نهایت داستان سیاه‌جامگان هم مثل ابومسلم پایانی خوش نداشت. تیمی که آمده بود خاطره ابومسلم را زنده کند، خودش به خاطره سیاه و تلخ دیگری تبدیل شد. سیاه‌جامگان در مسیر سخت لیگ برتر گرفتار ناکامی شد و دست آخر بعد از سه سال حضور این تیم در لیگ برتر، میراث دار ابومسلم هم به لیگ پایین‌تر سقوط کرد و با حضور نیافتن در لیگ یک، نابود شدند و حالا اثری از آن‌ها نیست.

غیب شدن پدیده شهر

آخرین و جدیدترین نسل هم برمی‌گردد به پدیده مشهد یا همان شهرخودرو که در شروع از سیاه‌جامگان ایده گرفت تا از لیگ‌های پایین به لیگ برتر صعود کند

که موفق هم شد و به عنوان اولین تیم خراسانی سهمیه آسیایی را کسب کرد. اما سه سال پس از کسب سهمیه آسیایی در مسیری قرار گرفت که پیش‌تر در مشهد، پیام خراسان و ابومسلم و سیاه‌جامگان آن را طی کرده بودند و از همه این تیم‌های ناکام یک نقطه تاریک را به ارث برد؛ از بلاتکلیفی در نام تیم و حضور هم‌زمان دو سرمربی در محل تمرین گرفته است تا انتقالش به یک شهر دیگر و بدهی‌های میلیاردی. شهرخودرو با این وضعیت نتوانست در لیگ برتر باقی بماند و راهی لیگ یک شد. امسال دقیقه ۹۰ به نوعی شهرخودرو منحل شده هم احیا شد تا به نمایندگی از خراسان رضوی تیم تازه تأسیس امید وحدت در لیگ یک شرکت کند. اما همان مشکلات قدیمی وحدت را به جاده ترکستان برد و در ابتدای راه از لیگ یک کنار گذاشته شد. نکته تأمل برانگیز در ماجرای شهرخودرو این بود که برخلاف تیم‌های قبلی فوتبال خراسان، درباره این تیم هیچ عزمی برای حفظ این امتیاز وجود نداشت؛ نه مسئولان، نه مدیران، نه هواداران به این تیم علاقه‌ای نداشته‌اند و برخلاف ابومسلم و پیام کسی خواهان احیا و بازگشت آن نیست.

